



دیدار از هم میهن
فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت با حضور در دفتر روزنامه نظرات و انتظارات اعضای تحریریه را شنید



هسته گزینش معلمان در مرحله بهبود؟
بررسی اظهارات معاون وزیر آموزش و پرورش درباره تأیید پرونده ۶ هزار معلم کد ۱۹



شمارش معکوس برای پایان فیلمترینگ
بررسی روند اقدامات دولت و شورای عالی فضای مجازی و یادداشتی از عبدالجواد موسوی



ماجرای نجسی و پاکی

روایت زندانیان قبل از انقلاب درباره روابط مارکسیست‌ها و مسلمان‌ها



پرزیدنت جدید و تهران

نظرخواهی هم میهن: نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا چه آثاری برای ایران خواهد داشت؟

رحمن قهرمان پور، جاوید قربان اوغلی، حیدرعلی مسعودی و محسن پاک آئین به این پرسش پاسخ گفته اند

از شهروندان در حوزه سیاست «سودمندی» را به پایبندی به «موازین اخلاقی» ترجیح می‌دهند و چون ترامپ را در مجموع سودمندتر از رقیب دموکراتش می‌دانند، بنابراین او را گزینه بهتری برای ریاست جمهوری قلمداد می‌کنند. این استدلال در کلیت خود نادرست به نظر نمی‌رسد، اما در مورد خاص دونالد ترامپ موجه نمی‌نماید چرا که به فرض سودمندی بیشتر ترامپ نسبت به رقبای دموکرات خود نزد نیمی از جامعه آمریکا، او سودمندی بیشتری نسبت به رقبای خود در داخل حزب جمهوریخواه ندارد، اما به رغم این، او بدون آنکه زحمت رقابت درون حزبی به خود دهد، کاندیدای بلامنزاع حزب جمهوریخواه شد و با فاصله زیاد، دیگر شخصیت‌های برجسته حزبی را پشت سر گذاشت. با این حساب، آیا «پدیده ترامپ» بار دیگر بازاندیشی در آنچه حکمای یونان به خصوص سقراط و افلاطون در جهان نشان داده «معایب نظام دموکراسی» برشمرده‌اند، ضروری نمی‌سازد؟ از نگاه حکمای یونان، دموکراسی در عمل حکومت «عوام» است و به ناچار سر از عوام‌پرستی و نهایتاً هرج و مرجع در می‌آورد. با وجود این عیب، اما روشن است که دموکراسی بدیلی مفیدتر و بهتر از خود ندارد و تاریخ حکمرانی در جهان نشان داده است که دیگر صورت‌بندی‌های حکومت، آثار و عواقب زیانبارتری برای نوع بشر داشته‌اند و در واقع هر چه از مدل دموکراسی دورتر بوده‌اند، زیان و قدرت ویرانی و تخریب‌شان نیز بیشتر بوده است. در حقیقت، دموکراسی مبتنی بر نگاهی مثبت به سرشت نوع بشر است. به عبارت دیگر، اگر طبع بشر را عقلائی و اخلاقی فرض کنیم، حاصل جمع آراء آنان در یک جامعه به «عقل جمعی» ختم می‌شود و دموکراسی نیز بدان دلیل از مدل‌های حکمرانی رقیب خود بهتر است که حاصل همین عقل جمعی به شمار می‌رود. بشر اما در گذرگاه‌های تنگ تاریخ لزوماً عقلائی و اخلاقی رفتار نمی‌کند و برآیند عمل آن به جای «عقل جمعی» به «بی‌خردی جمعی» و «چه‌سباسبه» (توحش جمعی) می‌انجامد. □

رقابت انتخاباتی در آمریکا وارد آخرین مرحله خود شده است. بحث‌های مربوط به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا عمدتاً پیرامون میزان شانس پیروزی دو نامزد انتخاباتی بر اساس نظرسنجی‌های متعدد در سطح ملی و ایالتی به خصوص ایالت‌های چرخشی جریان دارد. صرف نظر از اینکه کاندیدای چه حزبی وارد کاخ سفید شود، انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، پرسش‌های بنیادی و فلسفی مربوط به ماهیت دموکراسی، سرشت انسان و دلایل رفتار و نوع انتخاب او را بار دیگر برای بشر امروز زنده کرده است. آنچه سبب زنده شدن این پرسش‌ها شده، حضور دونالد ترامپ به عنوان کاندیدای نهایی حزب جمهوریخواه در رقابت انتخاباتی و حمایت حدود نیمی از جمعیت آمریکا از وی است. ترامپ فردی تجارتمند پیشه است و در مورد سطح موفقیت یا شکست او در این حرفه، نظرات متفاوتی مطرح می‌شود. این اما مسئله اصلی نیست؛ ترامپ ظاهراً دارای یک سلسله‌ویژگی‌های رفتاری است که با فهم عمومی بشر از اخلاقی و وارستگی سازگاری لازم را نشان نمی‌دهد. علاوه بر پرونده‌های فسادآمیز غیرقانونی او در دستگاه قضایی آمریکا، ترامپ شخصی است که حتی از راه دور، فردی خودشیفته، نامعتمد به بیان حقایق و عاری از هر نوع فروتنی دیده می‌شود. این ویژگی‌ها در بین شهروندان عادی، کم و بیش رایج است، اما یک شهروند عادی دارای این خصایص، اگر هم خود را شایسته رهبری یک کشور بداند و در معرض رأی عموم مردم قرار دهد، بدون سطحی از پنهانکاری و سانسور خصائل خویش، توفیقی در جهت جلب نظر مردم پیدا نمی‌کند. ترامپ اما شخصیتی است که خودشیفتگی خود را پنهان نمی‌کند و در مقابل رسانه‌ها از بیان سخن خلاف واقع، هراسی ندارد. حال فردی با این کیفیت رفتاری و اخلاقی، چرا مورد استقبال حدود نیمی از مردم کشوری قرار گرفته است که «دموکراسی» آن شاخصی برای دیگر کشورها در نظر گرفته می‌شود؟ در اینجا می‌توان این موضوع را پیش کشید که بسیاری

نمی‌دهیم؟ اگر پیمانی می‌بندیم باید به آن پایبند باشیم. این مفاهیم دینی است... اگر با همین روش که تاکنون آمده‌ایم، ادامه دهیم نباید تصور کرد که تغییری ایجاد می‌شود. اگر پیمانی می‌بندیم باید به آن پایبند باشیم و نباید عدول کنیم. واقعیت این است که ما نمی‌توانیم چگونه کشوری را نمی‌توانیم در عرصه نظامی زمین گیر کرد، ولی در عرصه اقتصادی بتوانیم؟ کشوری که در اقتصاد ضعیف باشد، چگونه می‌تواند در جنگ قوی باشد؟ باید در بیان این کلیشه‌ها و برداشته‌ها خیلی محتاط بود. به علاوه، ندادن پول به کشور دیگر لزوماً ناشی از خلف وعده نیست، دولت‌ها بر اساس قرارداد خسارت تاخیر در پرداخت را به خوبی می‌گیرند. یا پول ندارند بدهی خود را بپردازند یا مسیر مناسبی را برای پرداخت در دسترس ندارند. سه ماه است که شما آمده‌اید حتی هنوز FATF را نهایی نکرده‌اید. توقف در ایستگاه توافق هم حدی دارد. آنقدر می‌مانید که برنامه‌هایتان را فراموش خواهید کرد. وفای به عهد ربطی به مفاهیم دینی ندارد؛ اینها مستقلاً عقیده است که همه ادیان هم آن را تایید و تأکید می‌کنند. پس اگر در دولت و جامعه‌ای این امور بدیهی رعایت نشده‌اند، باید فکر دیگری کرد. شما آمده‌اید و پیمان بسته‌اید که راه گذشته را تغییر دهید. خب از خودمان شروع کنیم، مگر نه اینکه امام علی گفت اگر اموال را به کابین همسران‌تان درآورده باشید، برمی‌گردانم. پس چرا درباره اختلاس‌های گذشته چیزی گفته نشده و اقدامی نمی‌شود. قطعاً توافق مانع از آن است که وارد دعوا شوید. ایرادی ندارد؛ ولی چرا برای سال آینده در ردیف‌های بودجه تغییری داده نشد و در بودجه امسال نیز همان ردیف‌های گذشته تکرار شدند؟ آیا این نقض پیمان نیست؟ کدام روش گذشته که مورد اعتراض شماست عوض شده است که امیدوار به تغییر باشیم؟ ایده توافق قابل دفاع است و ما هم تاکنون از آن دفاع کرده‌ایم. شاید این نکته‌ای است که برای امام‌علی به واسطه جایگاهی که داشت، چندان در اولویت نبود؛ ولی شما اگر بخواهید همه چیز، پس از توافق آن هم وفاقی جداگانه محقق شود، در این صورت اطمینان داشته باشید که ناکارآمدی دولت بیش از هر چیز مستمسک وفاق سبزیان خواهد شد.

ظاهراً مسئولین محترم هم کم‌کم به بخش سخت زمین اقتصادی برخورد کرده‌اند و سختی عبور از آن را بر کرده خود احساس می‌کنند. لذا به جای پرداختن به اصل ماجرا، به مسائل حاشیه‌ای پرداخته می‌شود. اول از رئیس محترم مجلس باید آغاز کرد. ایشان در سخنرانی دیروز خود گفته است که «چند میلیون مسکن در کشور وجود دارد که خالی است و در این شرایط چند میلیون خانواده بدون خانه هستند. یعنی تولید مسکن کم است و همان خانه‌هایی که تولید شده هم احتکار می‌شود. ما یک مسئله‌ای به نام مسکن داریم که نتوانستیم حلش کنیم. ۷۰ درصد درآمد خانوار در کلان شهرها و شهرهای بزرگ صرف اجاره‌بها می‌شود.» به نظر می‌رسد که ماجرای شوخی زنی بار خانه‌های خالی فراموش شده و تاریخ مصرفش به پایان رسیده بود. ماجرای که چند سال پیش با آب‌وتاب مطرح شد و قانون هم نوشته شد و انتظار داشتند که مالیات زیادی هم بگیرند و قیمت خانه هم کم شود. ولی تعداد خانه‌های شناسایی شده زیر یک درصد تعداد ادعاها بود و قیمت مسکن هم نهنه‌ها کم نشد که با شتاب بالاتر رفت. مگر مردم با سرمایه‌گذار، دیوانه‌اند که خانه خود را خالی بگذارند؟ همیشه چند درصدی از واحدهای مسکونی خالی است و پس از مدتی فروخته و پر می‌شوند. وجود همین رویکردهای عجیب است که موجب حل نشدن مسکن و سایر موضوعات می‌شود. در آخرین سال دولت اصلاحات، مدت زمان خرید برای یک‌متر واحد مسکونی در تهران، برابر ۴ ماه حداقل حقوق کارگران بود. سال گذشته و پس از اجرای مسکن مهر و چند طرح دیگر و صرف بودجه‌های فراوان به ۱۶ ماه رسید. در واقع، نیازی به حل مسئله مسکن نیست؛ همان وضع را حفظ می‌کردند، کافی بود. فعلاً قصد نقد بیشتر رئیس مجلس را نداریم. ولی سخنان رئیس جمهور غیرمنتظره‌تر بود؛ آنجا که گفت: «جنگ امروز جنگ اقتصادی است. جنگ بمب و موشک نیست، دشمن در عرصه نظامی نمی‌تواند ما را زمین گیر کند، اما در حوزه جنگ اقتصادی مشکل داریم. دیروز به من گفتند ترکمنستان حاضر نیست درباره گاز با ما قرارداد ببندد؛ می‌گویند دولت پول نمی‌دهد. چرا با پیمانکار قرارداد می‌بندیم و پولش را

راز اقبال به ترامپ



احمد زیدآبادی
نویسنده و مشاور هم میهن

نگاه هم میهن

پرسشی که درباره رای دهندگان آمریکایی وجود دارد